

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۴

۲۱۴

دوماهنامه
آینه پژوهش

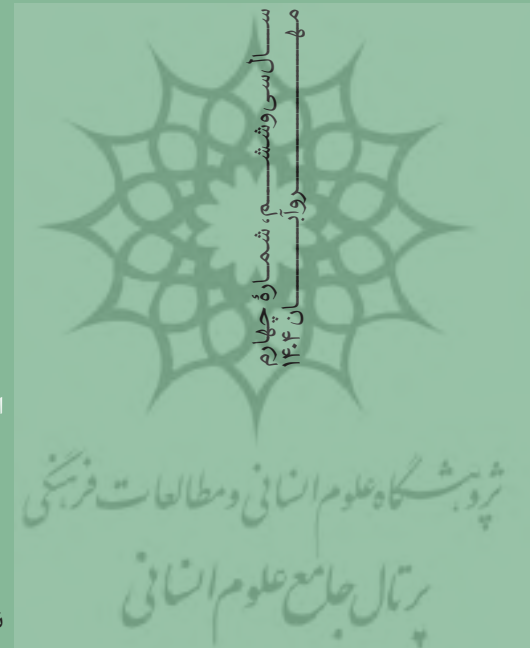
Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.36, No.4 Oct - Nov 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

214

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture



سید احمد رضا قائم مقامی، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴

ابلیا گرشویج / سید احمد رضا قائم مقامی | رسول جعفریان | سید علی میرافضلی | فاطمه شاملو | مریم حسینی
لیلا عبدی خجسته / سمیع الله | عبدالجبار رفاعی / محمد سوری | مجید جلیسه | امید طبیب‌زاده
الیو برانکافورته / روزبه مصاحب | سید محمد حسین حکیم | آنتونیو پانایینو / لیلی وهرام
امیرخانی | حیدر عیوضی | زکی نجیب محمود / حمیدرضا تمدن | آریا طبیب‌زاده | رقیه فراهانی
حمید عطائی نظری | میلاد بیگدلو | علی راد | سیدرضا باقریان موحد | علی ایمانی ایمنی | جویا جهانبخش

لقبی اشکانی در سرود جان و اشاره‌ای به اصل لغت سارویه و سابقه نام تخت جمشید
نسخه خوانی (۴۲) | احمدشاد غزنوی و صدر کرمانی | محبوبیت سفرنامه‌های فرنگ ناصرالدین شاه در
هندوستان متّحده | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۳)
چاپ نوشت (۲۱) | سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه ویک (۳)
سخنان حکمت‌آمیز زبان فارسی در سفر به غرب | وقفنامه‌ای از آخرین روزهای زندگی شیخ بهایی
دو گزارش نجومی از کارنامه اردشیر بابکان (۳: ۴-۷؛ ۴: ۶-۷) | ماجرا کم‌کن؛ گزارش بیتی از حافظ
آینه‌های شکسته (۱۱) | داستان احیای اندیشه فلسفی در مصر | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۶)
اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر | «و سخت عجب است کار گروهی از
فرزندان آدم!» | کتابی با عنوان حاصل الترجمان؟ | طومار (۱۳) | فیض گفتار نجف

کتاب‌شناسی دبیرستان البرز تهران

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ قنیه‌الفتیان

♦ یادنامه استاد موسی اسوار



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش
Jap.isca.ac.ir

کتابی آرزنده که «دو بار» و «دو جور» به «چاپ دُوم» رسید!

جويا جهانبخش

| ۴۶۳ - ۴۶۷ |

۴۶۳

آينه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابِ گُلگشت در شعر و آندیشه حافظ، تألیفِ مُنیفِ اُستادِ اَنوشه یاد دُکترِ مُحَمَّدِ اَمینِ ریاحی (۱۳۰۲-۱۳۸۸ ه.ش.)، یکی از آرزنده ترین آثارِ تحقیقی و دَست آورده های علمی نَهَضتِ حافظِ شناسیِ مُعاصر است که نَحُستین بار به سال ۱۳۶۸ ه.ش. از سوی اِنْتِشاراتِ علمیِ دَر تَهْرانِ مُنْتَشِر گَزید و با حُسنِ اِسْتِقْبالِ عُمومِ اَهلِ اَدب و خُصوصِ حافظِ پِژوهانِ خُزده سَنجِ مُواجه شد.

این کتابِ پُزُنکته مایه دار، مَجْموعه ای است از گُفتاها دَر باره حافظ که به کار همه دوستاران و شیفتگانِ سُخَنِ خواجه شیراز می آید و به ویژه بصیرت ایشان را دَر روبرویی با ظرائفِ مثنوی و باریکی های اَلْفاظ و عِباراتِ شعرِ خواجه - که بشیازتر از بشیار است! - می آفزاید. افزون بر این، کتابِ مَزبور، پنداری، خود، یک "کارگاهِ مَثْنُ شِناسیِ فازی" است که رَسْم و راهِ مَثْنُ خوانی و دَر پِیچیدنِ دَر نازکی های مُتونِ کُهَن را به خواننده هوش یار و مُستَعِدِ دَر می آموزد و از برای تحقیق و تَدقیقِ دَر مَثْنُ، دیده او را، روشنی و ذَهْن و فِکْرش را، و زَیْدگی می بَحْشد. از همین روست که همواره به دوستانی که می خواهند آیینِ مَثْنُ خوانیِ سُخَنِ سَنجانه را بیاموزند و دَر کار و بارِ مَثْنُ پِژوهی به طورِ عام - و نه فَقَط دَر زَمینه شعرِ حافظ - دَستی بیابند و دَر فَهْمِ باریکی های مُتونِ کُهَن مُمَارَسْتی کنند و کارآمد و وززیده شوند، خواندن و باخواندنِ این کتابِ مُمتِع را سفارش می کنم. ... اَلبَتّه دَر بَرخی از داوری ها و سُخنانِ اُستادِ ریاحی دَر این کتاب، جای "اگر" و "مگر" هست؛ لیک کُدام ریخته خامه ما آدمی زادگانِ شیرخام خورده است که مَشْمولِ چون و چرا و لَیْت و لَعْل نَباشد؟! ... تازه، مگر چُند کتابِ سَخْتَه پُخته آزین دَست داریم که بر سرِ هم نمونه نَمَطِ عالیِ تحقیق باشند و ذوقِ سلیم و سَلیقَه مُسْتَقیم و حِدَّتِ ذَهْن و وُسْعَتِ مَعْلوماتِ ادیبی بُلُند پایه را دَر مُواجهه با ریزه کاری های مثنوی ظریف چون دیوانِ حافظ به نمایش بگذارند؟

چاپِ دُومِ کتابِ گُلگشت در شعر و آندیشه حافظ را اِنْتِشاراتِ علمی به سال ۱۳۷۴ ه.ش. نُشر کُرد و این چاپِ دُوم، دو اِمْتیازِ با اَهْمیَّت و اَفزونه مُعْتَمَد داشت: یکی، «یادداشت های افزوده بر چاپِ دوم» بود که دَر صَفحاتِ ۵۳۳ تا ۵۴۵ جای گِرِفْتَه بود؛ و دیگر، «جدولِ خطا و صواب» که دَر صَفحه های ۵۴۷ و ۵۴۸ چاپ شده بود. زنده یاد اُستاد دُکترِ ریاحی، دَر «یادداشت های افزوده بر چاپِ دوم»، نکاتِ لُغوی و زبانیِ باریکی را موردِ بَحْثِ قَرار داده و شواهدِ سو دَبْخشی دَر بابِ بَعْضِ مَباحِثِ مَطْرَحِ دَر کتابِ گَزداوری کُرده بود که بر دَقّت و غَنایِ تَحقیقاتِ پِیشینش می آفُرد، و دَر مُطالعه آن کتابِ اَزْجِ دارِ مُسْتَطاب، هیچ مَثْنُ شِناسیِ نُکته بینی، خویش را از خواندن و بَرزَسیدنِ چُنین یادداشت ها بی نیاز نمی دید.

بِالطَّبْعِ این چاپِ دُوم هم پس از مُدتی کم یاب شد و ناشِر بارِ دیگر کتاب را دَر سال ۱۳۹۵ ه.ش. تَجْدیدِ چاپِ کُرد؛ و همین چاپ است که - به ویژه به سَببِ بی رونقی های اِقْتِصادی و رِگود

فَرْهَنگی سأل های اَخیر و تَنگنایِ عُمومی مَعِیشَتِ طَبَقَاتِ مُتَوَسِّطِ و فُرُوتَر و هَمَان چِه و چِه ها که مَن می دَانَم و شُما هَم می دانید - هَنوز هَم این جا و آن جا دَر قَفَسه های کِتَابِ فُروشی ها تَوَانَش یافَت و عُبَارِ عَرَبِیَتِ آز رُویِ آن تَوَانِ افشَانَد!

خاکبست که بر سرِ سُخَنِ کَزده فَلَک،
این گَزَد که از کِتَابِ می افشَانَد!

باری، در این بازچاپ اَخیر، دو سه چیز، تَوَجُّه کِتَابِ خَوَانِ کِتَابِ شِناسِ حِرَفه ای را بَرَمی انگیزَد (صَدالبِتّه اگر چُنین کِتَابِ خَوَانی باشَد و به این چاپ هَم تَوَجُّهی کُنَد):

نَخُست، طَرَحِ جِلْدِ نَوآورانُه کِتَابِ که نه چَنگی به دِل می زَنَد و نه ظَرافَتِ دَانِشُورانُه کافی دَارَد؛ به ویژه با "زَبَر" نِهَادَن بَر رُویِ وَاوِ مِیانِینِ «شِعْر و اَندِیشِه»، به رِیخَتِ «شِعْر و اَندِیشِه»... ما فَاوِسی زَبانانِ غَالِبًا «شِعْر و اَندِیشِه» را «شِعْر اَندِیشِه» تَلْفُظ می کُنیم و اَز قَضَا دَر بَارُه هَمین تَلْفُظِ آنچِه به رِیخَتِ وَاوِ می نُوِسیمَش و به رِیخَتِ "پِیش (ضَمّه)" تَلْفُظ می کُنیم، دَر هَمین کِتَابِ شَادزَوَانِ دُکُتَر رِیاحی (ص ۱۷۰ به بَعَد) نِیز بَیخَتِ سُوذَمَنَدِ رُوشَنگَری هَسَت. تَلْفُظِ مُتکَلِّفانِه و عَرَبِ پَسَنَدِ «وَ» به جَایِ آن "پِیش (ضَمّه)" که دَر زَبانِ فَاوِسی اَز بَرایِ چُنانِ عَظْفِ ها به کار می رُود، و خُصوصِ خَوَانِشِ «شِعْر و اَندِیشِه» دَر این جا، غَلَطِ نِیست؛ و لَی مَرَجُوحِ اسَت، و آن را بِیشتَرکِ اَز مُجَریانِ حَرَفِ کَم سَوَادِ صَدَا و سِیما و گویندگانِ فَاوِسی نَدانِ دِیگرِ رَسانِه ها می شِنویم و اَز کُودکانِ نَابَلَدِ دِیستانِی؛ که پَرُورَدَه مُعَلِّمانِی ناکارَدانِ و مُرَبِّیانِی تَرَبِیثِ نایافته اَنَد.

۴۶۶

آینه پژوهش | ۲۱۴
سال ۳۶ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۴

با صَرَفِ نَظَرِ اَز اَمراضِ جِلْدِیِ اَثَرِ که نَظائِرِ آن دَر کِتَابِ هایِ عَصْرِ ما شُیوعِ بَسیار دَارَد؛ می بینیم دَر ضَمْنِ اِطْلَاعَاتِ داخِلِ شِناسِ نامُه چاپِ اَخیرِ کِتَابِ آمده اَسَت: «چاپ دوم: ۱۳۹۵»؛ و بَدینِ سان، این چاپ، چاپِ دُومِ کِتَابِ گُلگُشتِ دَر شِعْر و اَندِیشِه حَافِظِ شِناسانیده شده اَسَت؛ حال آن که چُنین نِیست و این چاپ، به شَرَحی که نِوِشتیم، چاپِ سُوْمِ کِتَابِ دُکُتَر رِیاحی اسَت!... اَز این حَبْطِ هَم دَر مَمْلَکَتِ "وِلْش کُن بابا!" می تَوَانِ صَرَفِ نَظَرِ کَزَد؛ هَز چِنَد که چُنین وِلنگاری ها پِسانِ تَرِ باعِثِ بَرخی سَرْدَرگَمی ها دَر اِرْجاعِ خِواهد شُود!... و لَی - خوب! - دَر این سامانِ بی سامانِ و فَلَاکتِ زِدَه نِگارِش و پَرُوهشِ که هَز رُوزِه می بینیم، که را پَرُوایِ این حَرَفِ هاسَت!؟

دَر این چاپِ دُومِ دُرُوعینِ و چاپِ سُوْمِ راسَتین، اَز آن دو اَفزُونُه مُعَتَمِ چاپِ پِشینِ هَم که پَسِ اَز فِهرِشَتِ ها (دَر صَفَحَاتِ ۵۳۳ تا ۵۴۸) جَایِ داده شُوده بوَدَنَد، خَبَری نِیست! یَعْنی: نَه «یادداشتهای افزوده بر چاپ دوم» دَر این چاپِ هَسَت و نَه «جدولِ خطا و صواب». این نُسَخَه کِتَابِ، دَر پایانِ فِهرِشَتِ ها، دَقِیقًا دَر صَفْحَه ۵۳۲، تَمَامِ شُوده اَسَت؛ و تَمَام!

نکته، حاشیه، یادداشت | کتابی آرزنده که «دو بار» و «دو جور» به «چاپ دُوم» رسید!

می توان تصوّر کرد ناشرِ نُسخه‌ای از همان چاپِ اوّل را مبنای بازچاپ قرار داده است و اصلاً یادش نبوده که این کتاب در سال ۱۳۷۴ ه.ش. هم با اِضافات و اِستِدْراکاتی نمایان تجدید چاپ و مُنتشر گردیده بوده است! از همین روی هم این چاپ را که فاقد آن دو افزونه مُعْتَم نیز هست، به عَلَط "چاپ دُوم" خوانده است! ... دریغ!

ناَبخْتیار کسانی که این چاپ کذائی (/ چاپ دُومِ دُروغین و چاپِ سِوَمِ راشْتین) را خریده‌اند به خیال آن که نُسخه کاملِ شاملِ واپسین ملاحظاتِ اِعمال شده از سوی مُؤَلّف دانشومند کتاب را در تَمَلک آورده‌اند؛ و چُنین نیست!

و اِنگهی، آیا در سَرزَمینِ گُل و بُلبُل، حافظِ خوانانِ بَخْتیار همانان نیستند که از بُن با هرگونه ریژیینی و تَدقیق، از جُمله با تَدقیقاتِ اُمثالِ دُکُتَرِ مُحَمَّد اَمینِ ریاحی، هیچ کاری ندارند و از دیوانِ حافظ هم به نُسخه اَحْمَدِ شاملو یا سَمْس لَنگِرودی یا حتّی بَدتر از اینها قِناعت می‌کنند؛ تازه، نه از برای خواندن، که از برای فالِ گِرِفْتَن!

زیرکی را کُفْتَم این احوال بین؛ خُندید و کُفت:

صَعْبُ رُوزی، بوالعجب کاری، پَریشانِ عالمی!

اِصْفَهان / تابستان ۱۴۰۴ ه.ش.

۴۶۷

آینه پژوهش | ۲۱۴
سال ۳۶ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی